

از گوشه و کنار

معلولیت و ناتوانی
محصول جامعه است



معاون امور فرهنگی و اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تاکید کرد: معلولیت و ناتوانی محصول جامعه است و هر فرد باید برای رفع آن تلاش کند از عوامل معلولیت می توان به آلودگی و شیوه زندگی اشاره کرد که این عوامل معلولیت را گسترش می دهند. ابراهیم صادقی فرافزود: معلولیت و ناتوانی محصول جامعه است و هر فرد باید برای رفع آن تلاش کند از عوامل معلولیت می توان به آلودگی و شیوه زندگی اشاره کرد که این عوامل معلولیت را گسترش می دهند. وی در خصوص دولت فروتن خاطر نشان کرد: دولت فروتن دولتی است که می داند چه کارهایی را نمی تواند انجام دهد. معلولیت پیچیدگی زیادی دارد اما دولت ناتوان است. دولت خشن است اما فعالیت برای این بیماران لطیف است. هم چنین نخبگان باید در این زمینه نگاه ویژه ای داشته باشند زیرا گوش شنوایی دارند.



وزیر کشور تأکید کرد
بر خورد جدی با رانندگان
متخلف در ایام نوروز



وزیر کشور بر برخورد جدی و بدون اغماض با رانندگان متخلف در ایام نوروز تأکید کرد. رحمانی فضلی با تأکید بر این که پلیس نباید به متخلفان رحم کند خاطر نشان کرد: بنده به پلیس و ناجا تأکید کردم که به متخلفان در این ایام عید رحم نداشته باشند. این کلمه را به کار می برم زیرا در این ایام مردم با خانواده های شان به سفر می روند و گاهی تخلف می کنند و ممکن است که بخواهند بخشیده شوند که بخشیدنی در کار نخواهد بود. زیرا هر نوع رحمی به متخلف ظلم به مردم است. وی ادامه داد: نیروی انتظامی ما همه مردم بر خورد خوب و مودبانه خواهد داشت که این وظیفه ماست اما ما متخلفان قطعاً بر خورد جدی خواهد شد و ابلاغ کردیم اگر مواردی از خلاف دیده شود که نیروی انتظامی از آن گذشت کند و یا نایافته بگیرد قطعاً با پلیس بر خورد دیگری خواهیم داشت. وزیر کشور تصریح کرد: ما همه انرژی توان ظرفیت دستگاه اجرایی را پای کار آوریم اما محور اصلی همه این اقدامات خود مردم هستند مردم باید بدانند بعد از یک سال که می خواهند با خانواده به تفریح بروند نباید عجله و بی دقتی موجب شود حادثه ای به وجود آید که موجب خسران برای خود و خانواده شان شود. بنابراین امیدواریم با همکاری همه دستگاه ها و با رعایت کامل قوانین و مقررات و خونسردی از طرف مردم و رانندگان ایام عید بسیار خوبی داشته باشیم و همه با خوشحالی وارد ایام عید شوند و با خوشحالی نیز سال ۹۸ را بگذرانند.



ساعات اجرای طرح ترافیک
در تعطیلات نوروز ۹۸ اعلام شد



رئیس پلیس راهور تهران بزرگ از توقف اجرای طرح ترافیک در نوروز ۹۸ خبر داد. سردار محمدرضا مهماندار رئیس پلیس راهور تهران بزرگ در خصوص نحوه اجرای طرح ترافیک در روزهای تعطیلات نوروز اظهار کرد: از روز ۲۹ اسفندماه اجرای طرح ترافیک و زوج و فرد در تهران متوقف شده و این وضعیت تا پایان تعطیلات نوروز یعنی ۱۶ فروردین ماه ادامه خواهد داشت. وی با بیان این که در سال آینده تغییری در طرح ترافیک زوج و فرد ایجاد نخواهد شد، گفت: از ۱۷ فروردین ماه طرح ترافیک زوج و فرد با همین شیوه ادامه خواهد داشت و اگر بنا باشد که تغییری در آن اعمال شود قبل تر اطلاع رسانی خواهد شد.

اجزای مهم اعمال نمادین
در چهارشنبه سوری، یکی
روشن کردن آتش، دوم
پريدن از روی آن و سوم
اجرای نمایشی قاشق زنی و
فال و تفال بود. اما متأسفانه
مدتی است این عناصر
جای خود را به ترقه و
آتش بازی های خطرناک
داده است

سال، باور بر این بوده که ارواح نیاکان به زمین می آیند و باید از طریق اعمالی خاص، ارواح نیاکان را برای خیر و برکت بخشیدن به سال جدید یا آغاز سال خوشنود کرد: «در آیین قاشق زنی، افراد با روی پوشیده و بدون صدا به در خانه ها می رفتند و حضور خود را نه با سخن گفتن که با قاشق زدن و به نوعی با تقلید از ارواح اعلام می کردند. ساکنان خانه ها هم با دادن حبوباتی مانند عدس و برنج و مانند این ها، خیرات می کردند و بعد از آن خیرات آشی پخته و میان مردم پخش می شد. این عمل تضمین برکت سال با شاد کردن ارواح نیاکان بود که اساسا جزء اصلی آیین های نوروزی در فرهنگ ایران بوده و در اعمال دیگری مثل خانه تکانی و نوپوشیدن و چراغ روشن کردن و سفره هفت سین که همگی آمادگی سال را برای پذیرا شدن از فروهر های نیاکان نشان می دهد. این امر ساختار اصلی اعمال آیینی مربوط به نوروز و سال نو در فرهنگ ایران باستان بوده و حتی در واژه فروردین که برگرفته از واژه فرورتی/ فروهر و دثنا است به عنوان ماه آغاز سال دیده می شود». مختاریان به شباهت عمل قاشق زنی و آتش روشن کردن چهارشنبه سوری در فرهنگ ایرانی و هالوین در فرهنگ غرب اشاره می کند: هالوین هم یعنی «جشن همه مقدسان» و باور کهن در فرهنگ سلت ها بر این بود که مردگان در این شب به زمین می آمدند. البته زمان اجرای آن در آغاز پاییز یا زمستان بوده است. نزد سلت ها نیز از روشن کردن آتش برای ترساندن نیروهای مخرب و نیز گذاشتن غذا برای ارواح پشت در خانه - زیرا نباید مستقیم با زندگان در تماس قرار می گرفتند - گزارش شده است. به نظر من شناخت و گسترش چنین جشن های جدا از مفاهیم فلسفی - اخلاقی پنهان در پس پشت آن ها، جنبه هویت بخشی دارد و می توان به سیاست گذاری در اجرای برنامه های فرهنگی شهری از آن ها بهره برداری مناسب کرد.»

گونگون لازم و ضروری بود که از طریق آن ها چگونه نو شدن و چگونه وارد سال نو شدن را معنا می داد. چهارشنبه سوری نیز در این مقوله بسیار گسترده، در شبکه منظمی از اعمال و باور های باستانی در رابطه با سال نو قرار می گیرد و نمی توان این پدیده را مجزا از این شبکه و صرف توصیفات یا روایات تاریخی یا بنا بر نامگذاری مبهم آن معنا و تفسیر کرد.»

چهار عنصر مهم
فراموش شده

مختاریان با بیان این که اجزای مهم اعمال نمادین در چهارشنبه سوری، یکی روشن کردن آتش، دوم پریدن از روی آن و سوم اجرای نمایشی قاشق زنی و فال و تفال بود، می گوید: «اما متأسفانه مدتی است این عناصر جای خود را به ترقه و آتش بازی های نامنظم داده است. عمل پریدن از آتش است که در آیین را خاص می کند و صرفاً آتش روشن کردن به تنهایی نیست. برای چه از روی آتش می پریم؟ و احیاناً شعر معروف سرخی تو از من زردی من از تو را می خوانیم؟ یکی از دلایل پریدن از آتش بر اساس شواهدی در منابع سومری، باور به مقوله نجومی ورود خورشید از نیمه شش ماهه زمستانی به اعتدال بهاری و آغاز قدرت و اوج شش ماهه بهاری - تابستانی آن است. این نقطه اعتدال بهاری نزد سومری ها نقطه آسمانی آتش دانسته می شد، و همان طور که خورشید باید از این نقطه بگذرد و حیات خود را پس از زمستان مرگ آوار ز سر گیرد، انسان زمینی هم می بایست این عمل را تقلید کند، همان فلسفه کهن انطباق جهان کبیر و صغیر، مختاریان معتقد است انسان با چنین باورهایی از طریق اعمال نمادین معناداری که در شبکه ای منسجم قرار داشتند، زمان اسطوره ای آغاز سال را بازنمایی می کرده است. عنصر پاک آتش در این آیین پلیدی ها و مرگ زمستان را می گیرد و زندگی و سلامت بهاری را به ما می دهد».

تفال هم در اکثر جشن های سال نو یکی از اعمال فراگیر در ارتباط با آن هاست. مختاری می گوید: «من ترجیح می دهم از اصطلاح «بیخت گشایی» استفاده کنم که تعبیر و تفسیر مثبت از نشانه های مقدر نیروهای فرازمینی در ورود به سال نو است و معمولا همواره خوب و امیدبخش تعبیر می شده و این با آینده گوئی و پیش گوئی کاملاً متفاوت است. این اسطوره شناس به انجام آیین قاشق زنی اشاره می کند: «در فرهنگ های هند و اروپایی در پایان



چهارشنبه سوری یک
سرمايه اجتماعي است؛
از آن جهت که علاوه بر
تمام مبانی باستانی و
اسطوره های اش، باعث
شادی و نشاط و تحرک
خاص اجتماعی می شود

نشان می دهد در ایران باستان تقسیم بندی های تقویمی ابتدا فصلی بوده و بعد کم کم به شکل تقسیم بندی های تقویمی سالانه و ماهانه در آمده است. مختاریان چنین ادامه می دهد: «در آستانه سال نو یا نوروز آیین هایی به ظاهر متفاوت اجرا می شود و چهارشنبه سوری را نمی توان جدا از نوروز، و آن را نیز جدا از آیین های پایان زمستان و نیز ارتباط با مقوله تقویم در تبیین زمان اعتدال بهاری به عنوان نشانه آغاز سال بررسی کرد. اگر بخواهیم در نظر بگیریم، ما از طرفی با زمان کبیر که زمان آفرینش اسطوره ای از یک سو و از طرفی زمان دنیوی یا صغیر در این آیین ها سروکار داریم و گاه شماری ها حد وسط میان این دو زمان و تثبیت اجرای این ها هستند و البته در طول زمان تغییر و تحولات زیادی داشته اند. شواهد

ملت دیگری سنت های باستانی داریم که برای مان محترم است و چه خوب است اگر بتوانیم چنین سنت هایی را به شکل و شیوه سنتی خود برگزار کنیم. اما در کنار برگزاری این سنت های باستانی لازم است برای نوجوانان و جوانان این سرزمین درباره خاستگاه آیین چهارشنبه سوری هم اطلاعاتی بدسیم و آن را از شکل صرف یک مراسم آتش بازی فرمالیته خارج کنیم. بهار مختاریان مدیر گروه اسطوره شناسی و ادبیات کلاسیک موسسه انسان شناسی و فرهنگ درباره تاریخ و آیین چهارشنبه سوری چنین توضیح می دهد: «اگر بخواهیم درباره خاستگاه و دلیل پدیده ای چون آیین یا جشن چهارشنبه سوری صحبت کنیم، به ناچار باید آن را از سویی در ارتباط با سایر اجزایی که به آن پدیده مرتبط اند و نیز با زمان اجرایی آن که در آستانه سال نوست، در نظر بگیریم. ما از طرفی با زمان کبیر که زمان آفرینش اسطوره ای از یک سو و از طرفی زمان دنیوی یا صغیر در این آیین ها سروکار داریم و گاه شماری ها حد وسط میان این دو زمان و تثبیت اجرای این ها هستند و البته در طول زمان تغییر و تحولات زیادی داشته اند. شواهد

نارنجک ارتباط ذاتی ندارد و رسمی است برای خیر مقدم گفتن به بهاری که در راه است و شیوه ای است برای شکر گذاری برای عبور از زمستان؛ سرما و تاریکی اش. چهارشنبه سوری یک سرمایه اجتماعی است؛ از آن جهت که علاوه بر تمام مبانی باستانی و اسطوره ای اش، باعث شادی و نشاط و تحرک خاص اجتماعی می شود. آیینی است که طی آن مردم برای چند ساعت دور هم و در کوچه ها و خیابان ها جمع می شوند و با هم ارتباطی خاص برقرار می کنند. از این جهت چهارشنبه سوری به عنوان یک امکان برای نشاط و تحرک اجتماعی، باید مورد واکاوی دوباره و بازنگری قرار بگیرد. و با حذف موارد اضافه شده خطرناکی که عملاً ربطی به این آیین ندارد، چهار عنصر مهم حذف شده اش را به آن بازگرداند و به کار بست اجتماعی آن چهار عنصر توجه خاص داشت. جشن چهارشنبه سوری اگر به معنای یک جشن شادی آور و لذت بخش باشد برای خانواده مفید است. در صورتی که به رنج خانواده و هزینه جامعه منجر شود، دارای کارکرد منفی است. سنتی با زمان آیینی و تقویمی ویژه ما به عنوان ایرانی، مثل هر



چهارشنبه سوری از مراسم مهم آخر سال است. این سه شبیه آخر سال، در تاریخ سنتی ایران جایگاهی ویژه داشته و البته زمان خاص و روز خاصی هم برای اجرای مراسم خاص آن وجود نداشته و زمان آیینی آن یکی از روزهای پایانی سال بوده و فقط پس از اسلام است که برای آن یک روز و شب خاص در نظر گرفته می شود و رفته رفته تغییرات مختلفی در شیوه اجرای آن اتفاق می افتد.

چهارشنبه سوری برای ما ایرانی ها و نیز برای معتقدان به آیین زرتشت، هنوز هم از آن مراسمی است که تلاش می شود به هر روش ممکن برگزار شود. به خصوص نوجوانان و جوانان با انواع روش های افزوده، که چندان ربطی هم به اصل این آیین ندارد، در این شب و روز دلیلی از عزای آتش افروزی و انفجار درمی آورند و خوب گاهی باعث صدمه به خود و دیگران می شوند. واضح است که چهارشنبه سوری آیینی چندان ربطی به این همه انفجار در ابعاد مختلف ندارد؛ چهارشنبه سوری باستانی با ترقه و

یادداشت

کودک همسری با حقوق اساسی کودکان متعارض است

از دواج هایی که کودکان را بر باد می دهد...



فائزه نایمی، دکترای روانشناسی عمومی

«کودک همسری» که حتی به زبان آوردن آن آشوبی در دل آدمی ایجاد می کند، روایتگر جفایی است که بسیاری از والدین ناآگاه به هزار و یک دلیل که هیچ توجیه قابل قبولی ندارد در حق فرزندان خویش روا می دارند. به بیانی دیگر می توان گفت «کودک همسری» موضوعی است که تنها در جمع اصحاب رسانه و صفحات اجتماعی مختلف مجازی دست به دست می شود و تصمیم گیران جامعه گویی نمی خواهند تدابیری برای تغییر و اصلاح قوانین کشور در رابطه با این موضوع در داور و ناراحت کننده اتخاذ کنند. درست است که ترغیب جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده امری پسندیده محسوب می شود، اما

آیا پر استی دختر ۱۳ ساله یا پسر ۱۵ ساله می توانند چنین آگاهی و ظرفیتی را داشته باشند که قرار داد ازدواج را امضا کنند؟ پس تکلیف دنیای کودک و شیطنت های نوجوانی چه می شود؟ آیا استناد به قانونی که فقط سن بلوغ شرعی را ملاک ازدواج می داند، می تواند آدمی را از انجام چنین ظلمی به فرزندان این آب و خاک میرا سازد؟ چطور می شود بلوغ فکری و عقلی را نادیده گرفت و تنها به بلوغ جسمی و جنسی بسنده کرد؟ آسبیری را که به روح و روان این کودکان زده می شود چه کسی پاسخگو خواهد بود؟ متأسفانه شرایط جامعه به گونه ای در حال پیشروی است که تنها ملاک ازدواج از نگاه تصمیم گیران بر بلوغ جسمانی و جنسی معطوف است و ابعداد دیگر رشد به طور کلی نادیده گرفته می شود. از منظر روانشناسی باید خاطر نشان کرد که رشد انسان دارای چهار جنبه مهم است که، رشد جسمی، رشد عاطفی و هیجانی، رشد شناختی و رشد اجتماعی و معنوی از جنبه های مهم آن

محسوب می شوند. بر اساس تجربیات و روانشناسی همه این ابعداد تا ۱۸ سالگی رشد می کنند. بنابراین نکته حائز اهمیت این که از دید قانون گذاران مغفول مانده، علم است؛ باتوجه به آنکه انسان موجود اجتماعی بسیار پیچیده ای است نمی توان ابعاد علمی رشد انسان را نادیده گرفت و تنها به وسیله شرع، عرف و قانون حکم صادر کرد. باتکیه بر تجربیات و روانشناسی لازم است مطرح شود مراحل رشد انسان ارتباط بسیار تنگاتنگی با بلوغ در جنبه های مختلف شخصیتی او دارد؛ به عبارتی هر فرد با خصایص منحصر به فردی که از والدین خویش به ارث می برد و همچنین با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی که در آن زیست می کند در گذار از هر مرحله رشدی، توانمندی های به خصوصی را فرامی گیرد که در این میان گذار از سنین خردسالی و نوجوانی از مهمترین و حساس ترین مراحل رشد در زندگی هر فرد محسوب می شود که بی توجهی به این مراحل تحولی قطعاً آسیب های جبران پذیر ی بوجود می آورد. در شرایط کنونی که طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی به خودی خود در حال فرونی است؛ بدون شک بی توجهی به موضوع «کودک همسری» نیز بر آمار ازدواج های منتهی به طلاق می افزاید که خود عامل ایجاد آسیب های اجتماعی بی شماری

اعم از کودکان کار، زنان بی سرپرست، تکدی گری، جرم جنایت و اعتیاد می شود که ناشی از ازدواج های ناپهنگام است که بر اثر فشار های اقتصادی و فقر فرهنگی ایجاد شده است. بی تردید در شرایط کنونی که سن ازدواج با دهه های قبل تفاوت بسیار کرده است، ضرورت اصلاح قوانین بیش از پیش به چشم می خورد. نکته حائز اهمیت آن است که موازی با تغییر و اصلاح قوانین، باور جامعه ایرانی نیز باید بطور ریشه ای نسبت به موضوع ازدواج کودکان تغییر کند. از منظر روانشناسی کودک همسری با حقوق اساسی کودکان متعارض است، چرا که از یکسوق کودک از آنان سلب می شود و از سویی دیگر رشد و بقای کودک نیز در خطر قرار می گیرد و ممکن است به ترک تحصیل این کودکان نیز مجبور شود. بنابراین مطلوب است فقها و قانونگذاران با بهره مندی از دانش و علم جامعه و روانشناسان و روانپزشکان به بازنگری این قانون بپردازند و برای رفع این معضل تدابیر قانونی اتخاذ کنند و به یک جمع بندی مناسب درباره افزایش سن ازدواج بر سندا تالین قانون اصلاح شود و به این ترتیب از بروز بسیاری از معضلات و آسیب های اجتماعی کاسته شود.